

بیانیه‌ای برای دستیابی به این اهداف ترسیم کردند - مانند همسو کردن مشوق‌های مربوط به انرژی پاک در هر طرف اقیانوس اطلس و شروع مذاکره در مورد زنجیره‌های تامین مواد معدنی و باتری‌های حیاتی.

اندکی پس از آن، رئیس جمهور بایدن به کانادا رفت. او و نخست وزیر جاستین ترودو یک کارگروه را برای تسریع همکاری بین کانادا و ایالات متحده به همین منظور تشکیل دادند: اطمینان از تامین انرژی پاک ما و ایجاد مشاغل طبقه متوسط در دو طرف مرز. و تنها چند روز پس از آن، ایالات متحده و ژاپن توافقنامه‌ای را امضا کردند که همکاری ما را در زنجیره تامین مواد معدنی حیاتی عمیق می‌بخشد. بنابراین، ما از قانون کاهش تورم برای ایجاد یک اکوسیستم تولید انرژی پاک که ریشه در زنجیره تامین اینجا در آمریکای شمالی دارد و به اروپا، ژاپن و جاهای دیگر گسترش می‌یابد، استفاده می‌کنیم. در حال حاضر، همکاری ما با شرکا محدود به انرژی پاک نیست. به عنوان مثال، ما با شرکای خود - در اروپا، جمهوری کره، ژاپن، تایوان و هند - کار می‌کنیم تا رویکردهای خود را در زمینه انگیزه‌های نیمه‌هادی هماهنگ کنیم.

پیش‌بینی‌های تحلیلگران در مورد محل وقوع سرمایه‌گذاری‌های نیمه‌رسانا در سه سال آینده به طور چشمگیری تغییر کرده است و ایالات متحده و شرکای کلیدی اکنون در صدر جدول قرار دارند. اجازه دهید همچنین تاکید کنم که همکاری ما با شرکا به دموکراسی‌های صنعتی پیشرفته محدود نمی‌شود.

اساساً، ما باید - و قصد داریم - این تصور را که مهم‌ترین شراکت‌های آمریکا فقط با اقتصادهای مستقر است را کنار بگذاریم. نه تنها با گفتن، بلکه با اثبات آن. اثبات آن با هند - در مورد همه چیز از هیدروژن گرفته تا نیمه‌هادی‌ها. اثبات آن با آنگولا - در انرژی خورشیدی بدون کربن. اثبات آن با اندونزی - در مشارکت انتقال انرژی عادلانه آن. اثبات آن با برزیل - در مورد رشد سازگار با آب و هوا.

این من را به مرحله سوم در استراتژی ما می‌رساند: فراتر از معاملات تجاری سنتی به مشارکت‌های اقتصادی بین‌المللی نوآورانه‌ای که بر چالش‌های اصلی زمان ما متمرکز شده‌اند.

پروژه اصلی اقتصادی بین‌المللی در دهه ۱۹۹۰ کاهش تعرفه‌ها بود. به طور متوسط، نرخ‌های تعرفه اعمال شده ایالات متحده در طول دهه ۱۹۹۰ تقریباً به نصف کاهش یافت. اما تعریف یا اندازه‌گیری کل سیاست ما بر اساس کاهش تعرفه چیز مهمی را نادیده می‌گیرد. پرسیدن اینکه سیاست تجاری ما در حال حاضر چیست - که به طور محدود به عنوان برنامه‌هایی برای کاهش بیشتر تعرفه‌ها طراحی شده است - به سادگی سؤال اشتباه است. سوال درست این است: تجارت چگونه در سیاست اقتصادی بین‌المللی ما جای می‌گیرد و به دنبال حل چه مشکلاتی است؟

پروژه ۲۰۲۰ و ۲۰۳۰ با پروژه ۱۹۹۰ متفاوت است. ما مشکلاتی را که باید امروز حل کنیم، می‌دانیم؛ ایجاد

زنجیره‌های تامین متنوع و انعطاف‌پذیر. بسیج سرمایه‌گذاری دولتی و خصوصی برای انتقال انرژی پاک و رشد اقتصادی پایدار. ایجاد مشاغل خوب در طول مسیر، مشاغل حامی خانواده. اطمینان از اعتماد، ایمنی و آزادی در زیرساخت‌های دیجیتالی ما. توقف رقابت تا پایان در مالیات شرکت‌ها. افزایش حمایت از نیروی کار و محیط زیست، مبارزه با فساد؛ این مجموعه‌ای از اولویت‌های اساسی متفاوت از کاهش تعرفه‌ها است.

و ما عناصر یک ابتکار بلندپروازانه اقتصادی منطقه‌ای، چارچوب اقتصادی ایندوپاسفیک را طراحی کرده‌ایم تا بر روی آن مشکلات تمرکز کرده و آن مشکلات را حل کنیم. ما در حال مذاکره با سیزده کشور ایندوپاسفیک هستیم که انتقال انرژی پاک را تسریع می‌کند، عدالت مالیاتی را اجرا می‌کند و با فساد مبارزه می‌کند، استانداردهای بالایی را برای فناوری تعیین می‌کند، و زنجیره‌های تامین انعطاف‌پذیرتری را برای کالاها و نهادهای حیاتی تضمین می‌کند.

مشارکت جدید آمریکا برای شکوفایی اقتصادی، که با تعدادی از شرکای کلیدی ما در اینجا در قاره آمریکا راه اندازی شد، با هدف یکسان مجموعه‌ای از اهداف است. در همین حال، از طریق شورای تجارت و فناوری ایالات متحده و اتحادیه اروپا، و از طریق هماهنگی سه‌جانبه خود با ژاپن و کره، ما در حال هماهنگی بر روی استراتژی‌های صنعتی خود هستیم تا مکمل یکدیگر باشند و از رقابت در همه جنبه‌ها برای اهداف یکسان جلوگیری کنیم. برخی به این طرح‌ها نگاه کرده‌اند و گفته‌اند، «اما آنها قراردادهای آزاد تجاری سنتی نیستند.» دقیقاً نکته همین است. برای مشکلاتی که ما امروز سعی در حل آن داریم، مدل سنتی آن را بهبود دهنده نیست. دوران وصله‌های سیاست‌های پس از

ایجاد یک اقتصاد ایمن و پایدار در مواجهه با واقعیت‌های اقتصادی و ژئوپلیتیکی به همه متحدان و شرکای ما نیاز دارد که کارهای بیشتری انجام دهند. البته زمانی برای از دست دادن وجود ندارد. در نهایت، هدف ما یک پایگاه فنی-صنعتی قوی، انعطاف‌پذیر و پیشرو است که ایالات متحده و شرکای همفکرش، اقتصادهای مستقر و نوظهور به طور یکسان، بتوانند روی آن سرمایه‌گذاری کنند و با هم به آن تکیه کنند

واقعیت و وعده‌های مبهم بازتوزیع به پایان رسیده است. ما نیاز به یک رویکرد جدید داریم.

به بیان ساده: در دنیای امروز، سیاست تجاری باید چیزی فراتر از کاهش تعرفه باشد و سیاست تجاری باید به طور کامل در استراتژی اقتصادی ما، در داخل و خارج از کشور ادغام شود. همزمان، دولت باید در حال توسعه یک استراتژی جدید جهانی برای کار است که حقوق کارگران را از طریق دیپلماسی ارتقا می‌دهد و ما در هفته‌های آینده از این استراتژی رونمایی خواهیم کرد.

در مجموع، در دنیایی که با آن انتقال انرژی پاک، اقتصادهای نوظهور پویا، با تلاش برای انعطاف‌پذیری زنجیره تامین - با دیجیتالی کردن، هوش مصنوعی و انقلاب در بیوتکنولوژی - در حال تغییر شکل می‌باشد، بازی یکسان نیست. سیاست اقتصادی بین‌المللی ما باید با جهان آن‌طور که هست تطبیق پیدا کند تا بتوانیم دنیایی را که می‌خواهیم بسازیم.

